



آیت‌الله العظمی جواد آملی تشریح کرد: چرا خداوند حیات تبهکاران را خاتمه نمی‌دهد؟

دنیا دار امتحان است؛ هر کس یک گناهی را در دنیا بکند فوراً خدا به حیات او خاتمه نمی‌دهد، اگر این گونه باشد چیزی شبیه جبر اتفاق می‌افتد؛ چرا که انسان از ترس مرگ گناه نخواهد کرد.

دنیا دار امتحان است؛ هر کس یک گناهی را در دنیا بکند فوراً خدا به حیات او خاتمه نمی‌دهد، اگر این گونه باشد چیزی شبیه جبر اتفاق می‌افتد؛ چرا که انسان از ترس مرگ گناه نخواهد کرد.

به گزارش خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا)، آیت‌الله العظمی عبدالله جواد آملی، مرجع تقلید شیعیان شنبه، بیست و سوم آذرماه، در تفسیر آیات 42 تا 45 سوره فاطر در مسجد اعظم قم گفت: خداوند در سوره فاطر بعد از هشدار دادن به مشرکان حجاز، گاهی به صورت تبشیر و گاهی به صورت انذار به آنها می‌فرماید: مقاومت شما در برابر وحی الهی استکباری نابخشودنی است و مکر شما برای خاموش کردن چراغ وحی دامنگیر خودتان خواهد شد.

زنده بودن اعمال انسان/ عمل هرگز عامل خود را رها نمی‌کند

وی افزود: خداوند بعد از اینکه بیان کرد عمل انسان از بین نمی‌رود، عمل زنده است فرمود عمل هرگز عامل را رها نمی‌کند؛ در حقیقت این دو اصل از اصول قرآنی است «العمل حی لایموت باذن الله» و «العمل معلق علی عامله باذن الله». کاری که انسان انجام می‌دهد از بین نمی‌رود، نمی‌شود گفت گذشت. بلکه درست این است که ما گذشتیم نه اینکه عمل از بین رفته باشد. پس بدون شک عمل واقعی است و از بین نمی‌رود، زمانی که از بین نرفت عامل خود را رها نمی‌کند و اگر اثری دارد چه خوب، چه بد دامنگیر عامل خودش است. در بیانات نورانی امام سجاد (ع) در دعای ختم قرآن آمده است «و صارت الاعمال قلائد فی الاعناقهم» اعمال بد دامنگیر و گردنگیر تبهکاران می‌شود.

مکر در برابر دین خدا بدتر از استکبار است

این مرجع تقلید شیعیان بیان کرد: بر اساس همین اصول، قرآن چندبار مطالبی را بیان کرده است. یکی از این موارد آیه 43 سوره فاطر است «وَلَا يَحِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِ» چون راه خلاف فقط خلافت را گرفتار می‌کند. چون مکر بدتر از استکبار است؛ چرا که معنای استکبار عدم خضوع در مقابل دین است اما زمانی که مکر را به همراه داشته باشد یعنی می‌خواهند دین خدا را براندازد و بر علیه آن مکر می‌کند.

جایگزینی غضب خداوند بعد از رحمت و صبر از مولفه‌های نظام احسن است

وی بیان کرد: بیان خداوند در ادامه آیه 43 «فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا سُنَّتَ الْأَوَّلِينَ فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا» پس آیا جز همان سنتی را که در میان امت‌های حق‌ستیز نخستین جاری شد و آنان را هلاک ساخت، انتظار می‌برند؟ هرگز برای سنت خدا دگرگونی نمی‌یابی و هرگز سنت خدا را قابل انتقال نخواهی یافت» بیانی تهدیدی است؛ یعنی شما فقط منتظر باشید که عذابی که دامنگیر گذشتگان شد، دامنگیر شما هم بشود.

آیت‌الله العظمی جواد آملی ادامه داد: چون ذات اقدس اله برنامه‌ای حکیمانه برای جهان دارد تا مدتی صبر می‌کند، اما زمانی که صبر و تخفیف تمام شد زمانی رحمت در مقابل غضب تمام شد نوبت به غضب می‌رسد و همه این برنامه‌ها بر اساس نظام احسن است؛ کسی غیر از خداوند قدرت عوض کردن این برنامه و سنت را ندارد و خداوند نیز چون این برنامه را به بهترین نحو راه‌اندازی کرده است آن را عوض نمی‌کند چون بهتر از آن برنامه، برنامه‌ای نیست و خداوند هیچ وقت برنامه بهتر را با بدتر عوض نمی‌کند.

حکم الهی تغییر نمی‌کند/ بخشش توبه تبهکار به علت تغییر فرد گنهکار است

این مفسر قرآن گفت: پس بنابراین حکم الهی، سنت الهی و قانون الهی تغییر نمی‌کند و اگر کسی که توبه می‌کند بخشیده می‌شود به این معنا نیست که قانون و حکم الهی تغییر کرده باشد. این فرد است که تغییر کرده است نه حکم الهی. حکم و سنت الهی که برای تبهکار بود همان است؛ اما فرد، از تبهکاری در آمده است و دیگر تبهکار نیست پس دلیلی ندارد که برای کسی که تبهکار نیست حکم تبهکاری بار شود. بخشش خداوند و شفاعت و همه این مسائل از همین قبل است. این امکان ندارد که کسی تبهکار باشد و حکم تبهکاری نداشته باشد.

وی افزود: انسان اگر از حجاز به شام و از شام به جای دیگر برود، مشاهده خواهد کرد که چه اقوامی در چه سرزمین‌هایی بودند و خداوند آنها را نابود کرد و هیچ از آنها باقی نگذاشته است؛ «أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَكُنُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً» این مشرکان مکه در زمین سیر نکردند که عاقبت اقوام قبلی از خودشان که بسیار قدرتمندتر از اینها بودند، را ببینند. در پایان سوره سبا آمده است که ثروت مشرکان مکه به اندازه یک دهم ثروت مشرکان گذشته نبوده است.

خدای سبحان علیم محض است

آیت‌الله جوادی بیان کرد: در ادامه آیه خداوند یک اصل تجریدی را بیان می‌کند «وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعْجِزَهُ مِنْ شَيْءٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ إِنَّهُ كَانَ عَلِيمًا قَدِيرًا؛ بدانند که (هیچ چیزی نه در آسمان‌ها و نه در زمین، خدا را ناتوان نمی‌سازد؛ نه مکر مکاران او را عاجز می‌کند و نه نیروی قدرتمندان؛ چرا که او دانای مطلق است و نیرنگ‌ها غافلگیرش نمی‌کند، و توانای مطلق است و هیچ چیزی در برابر او مقاومت ندارد» چون خدای سبحان علیم محض است و علمش نامنتها است و قدیر محض است و قدرت‌ش نامتناهی است چیزی نمی‌تواند خداوند را عاجز کند که خداوند نتواند بر اساس اراده‌اش کاری انجام دهد. اگر موجودی علیم محض و قدیر صرف بود هرگز عاجز و مانده نخواهد بود.

چرا خداوند حیات تبهکاران را خاتمه نمی‌دهد؟

وی در پاسخ این سوال که حالا که خداوند این چنین قدرت دارد چرا به حیات تبهکاران خاتمه نمی‌دهد؟ گفت: دنیا دار امتحان است این چنین نیست که هر کس یک گناهی را در دنیا بکند فوراً خدا به حیات او خاتمه بدهد. اگر این گونه باشد چیزی شبیه شبه جبر اتفاق می‌افتد؛ چرا که انسان از ترس مرگ گناه نخواهد کرد. باید دست انسان باز باشد و تا زمانی که نفس می‌کشد مختارانه و آزادانه تصمیم بگیرد. و اگر ذات اقدس اله می‌خواست تبهکاران را عذاب کند و به حیات این تبهکاران خاتمه دهد هیچ کدام از اینها روی زمین نمی‌ماندند و زمین برای گروه محدود و مخصوصی می‌ماند.

این مرجع تقلید شعیان بیان کرد: بنابراین بر اساس آیه پایانی سوره فاطر که پاسخ سوال قبلی است «وَلَوْ يُؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِمَا كَسَبُوا مَا تَرَكَ عَلَى ظُهُرِهَا مِنْ دَابَّةٍ وَلَكِنْ يُؤَخِّرُهُمْ إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِعِبَادِهِ بَصِيرًا؛ و مقدر نیست که همه گنهکاران در دنیا کیفر شوند؛ اگر خدا همه مردم را به سزای گناهایی که انجام داده‌اند مؤاخذه می‌کرد، بر روی زمین هیچ جنبنده‌ای باقی نمی‌گذاشت ولی کیفر آنان را تا سرآمدی معین به تأخیر می‌اندازد و به آنان مهلت می‌دهد، و وقتی اجلشان فرا رسید، آنان را به سزای گناهانشان مؤاخذه می‌کند، چرا که خدا به بندگان خود بینا و به رفتارشان داناست» بنابراین خدا قدرت داد آزمون می‌کند و یک محکمه الهی نیز دارد. کسی هراسناک است که می‌ترسد در آینده چیزی از دستش برود اما کسی که بر همه چیز محیط است هیچ عجله‌ای برای محاسبه و سزای عمل انسان‌ها ندارد.